

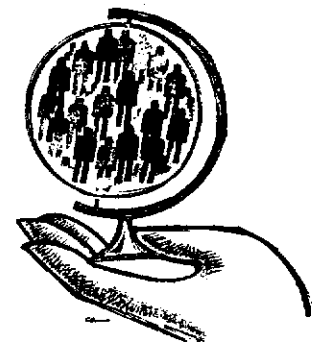


# حدیثی از مغرب و مشرق زمین و میانه عالم

از: جعفر مرعشی

\* کشور ژاپن برای مواجهه با حوادث نو، قدرت به اصطلاح اجتهاد فرهنگی خود را از دست داده است.

\* کشورهای مسلمان در واقع عهده‌دار توسعه یک فرهنگ در جهان هستند و بدین منظور می‌باید به گونه‌ای یکپارچه حرکت کنند. ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی متشکل از محققان جهان اسلام می‌تواند گامی موثر در این راستا محسوب شود.



مقدمه:

جهان امروز چه به لحاظ ارتباطات و چه به لحاظ دستاوردهای علمی بشری به مرزی رسیده که در کل تاریخ بشری بی سابقه است. گفته می‌شود دستاوردهای علمی ۱۰ سال اخیر در برخی علوم برابر کل یافته‌های علمی بشر در طول تاریخ بوده است. پیش‌بینی مارشال مک‌لوهان در مورد دهکده جهانی به تعبیری به وقوع پیوسته است، مرزهای جغرافیایی کمرنگ شده‌اند و اطلاعات به راحتی و ظرف چندصدم ثانیه از این سوی کره خاکی به سوی دیگرانتقال می‌یابد. همه ما می‌توانیم رخدادهای جهانی را، از ژاپن گرفته تا قلب بوستنی مرتباً در تلویزیونها و یا از طریق رادیو دنبال کنیم. شبکه اینترنت ۴۰ میلیون نفر را در سراسر جهان به یکدیگر پیوند داده است. اما به همان میزان که فرایندهای «همگرایی» جهان را کوچک‌تر ساخته و در انتقال عوامل سازنده موثر بوده‌اند، شیوع بیماری‌های عصر «فرامردن» را نیز تسهیل نموده‌اند. یکی از این بیماری‌ها پدیده «ناهنجاری» نام گرفته است. این پدیده ماهیتاً سیال، اشکال گوناگونی به خود گرفته و در هر جا چهره جدیدی از خود نشان می‌دهد. حدیث حاضر نموده‌های مختلف این پدیده را در مغرب و مشرق زمین به دنبال سفرهایی که در سال گذشته برای حضور در دو اجلاس بین‌المللی در سوئیس و ژاپن صورت گرفت به تصویر می‌کشد و در «میانه عالم» یعنی نقطه‌ای که قادر است در تنظیم و توسعه حیات بشری نسخه‌ای تجویز نماید به دنبال حضور در اجلاس «آینده علم در امت اسلامی در قرن بیست و یکم» ادامه می‌یابد. سفر را آغاز می‌کنیم.

## حدیثی از مغرب: کنفرانس تغییر و تحول اجتماعی و توسعه

حدیث مغرب زمین با سفر به کشور سوئیس در اواخر شهریور ماه سال گذشته آغاز شد. هدف از این سفر، شرکت در اجلاس آکادمی توسعه

سوئیس تحت عنوان «تغییر و تحول اجتماعی و توسعه» بود. سوال اصلی کنفرانس در این خلاصه می‌شد که: «آیا انتخاب‌های توسعه جهانی به بن‌بست رسیده است؟» به منظور ریشه‌یابی موضوع و ارائه پاسخی جامع‌الاطراف به این سوال، پژوهشگران و صاحب‌نظران محور «ناهنجاری» را مورد بحث و کنکاش قرار دادند. در اینجا، به منظور ورود به فضای اجلاس، به پیوند بین برگزارکننده این گردهمایی و موضوع بحث نظر می‌افکنیم:

## الف - برگزارکننده

آکادمی توسعه سوئیس<sup>(۱)</sup> مرکب از اندیشمندان کشورهای اروپایی، مدیران واحدهای صنعتی، بنگاههای تجاری و تکنولوژیک اروپا و همچنین افراد دیگری از کشورهای جهان سوم است که به نوعی به مسائل توسعه، با محوریت انسان و ناکامی‌هایی که از نظرگاههای توسعه در جهان امروز برای بشر واقع شده است، می‌پردازد. یکی از ابعاد فعالیت این آکادمی پروژه‌های در غرب جمهوری اسلامی ایران در جهت استقرار مهاجران و آوارگان می‌باشد که در مطبوعات نیز انعکاس یافته است.

پیش‌فرض و زیربنای نظری این فعالیت به بیانی شاید ساده به نظر برسد و آن اینکه، کشورهای اروپایی به این واقعیت دست یافته‌اند که با توجه به تحولات کنونی در جهان سوم، پدیده مهاجرت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بطور مثال در کشور ما، مهاجرت، از روستاها به شهرهای بزرگ و از شهرهای بزرگ، چون تهران، به خارج از کشور صورت می‌گیرد. حال اگر قرار باشد این وضعیت در دیگر کشورها نیز رخ دهد، لااقل از دیدگاه غرب، ماجرا ابعاد بسیار گسترده و نگران‌کننده‌ای به خود گرفته و احتمالاً هزینه بسیار سنگینی را نیز دامنگیر کشورهای غربی خواهد ساخت. کشور

\* گالتونگ: در جوامع فرامردن ناهنجاری و ناآرامی وجه غالب است هرچند استثمار کاهش می‌یابد. لیکن رشد نیز کاهش یافته و از خود بیگانگی نیز روبه‌افزایش می‌باشد.

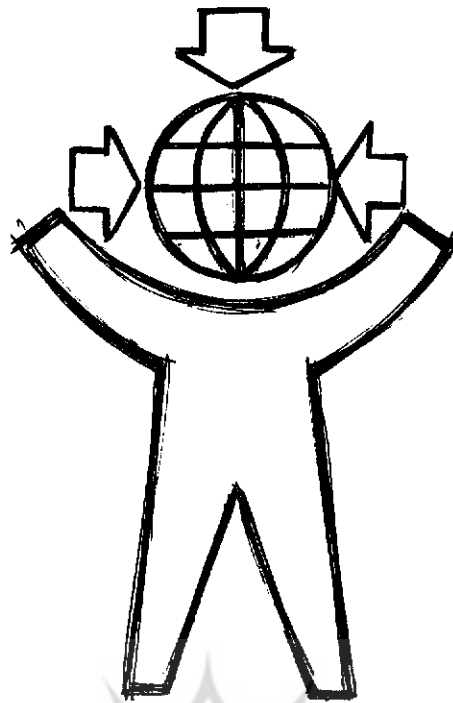
\* بشر مغرب: زمین از دانش بسیار گسترده و توسعه یافته برخوردار است اما در عین حال از تعقل لازم برای تدوام حیات خویش برخوردار نیست.

سوئیس به‌ازای پاسخ منفی به هر فردی که طلب مهاجرت به آن کشور را دارد، هشتاد هزار فرانک سوئیس هزینه می‌کند. بدین ترتیب برای پرهیز از این هزینه‌ها، کشورهای غربی تصمیم گرفته‌اند که به ابتدا و ریشه حادثه مراجعه و از مهاجرت، قبل از وقوع آن، جلوگیری کنند. در همین چارچوب به کشورهای «پایلوت» آمادگی پذیرش مهاجر را دارند کمک می‌شود تا فرایند اسکان اجتماعی و ایجاد خط تولید درآمد در جوار این اسکان تسهیل گردد.

هدف این است تا به‌این طریق نوعی نظام بازدارندگی از مهاجرت به دیگر کشورها بوجود آید. به‌این ترتیب، باعنایت به ماموریت این سازمان و فعالیت‌های آن در غرب کشورمان (مثل پروژه «گولان» و همچنین پروژه‌ای برای ایجاد کارخانه آجرسازی در منطقه سنندج و یا طرح‌های دیگر در نواحی ارومیه) و در نهایت، با توجه به اهمیت و حساسیت موضوع بحث، مشارکت و ارائه مقاله در اجلاس مزبور که در شهر «سولوتورن» در شمال غربی سوئیس برگزار شد، ضروری می‌نمود.

### ب - «ناهنجاری»، بحث فراگیر

موضوع مورد نظر برگزارکنندگان در مقایسه با مباحث متداول در زمینه تغییر و تحول یا توسعه اجتماعی، منحصر به فرد محسوب می‌شد. این بار، پدیده «ناهنجاری» در تمامی ابعاد آن مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. از دیدگاه سنتی، بحث ناهنجاری عمدتاً به حوزه «رفتارها» محدود می‌شد. بعد از انقلاب اجتماعی و توسعه صنعتی در غرب و ظهور ابرشهرها، فروپاشی هنجارهای اجتماعی و ظهور «ناهنجاری» به‌مثابه یک موضوع قابل بحث و نیز در ماندگی عمده جوامع مطرح گردید. آنچه در این اجلاس عرض‌اندام می‌کرد، تصویر ارائه شده از فراگیری ابعاد ناهنجاری و سرایت آن به سراسر بدنه بشریت بود. پژوهشگران، پدیده «ناهنجاری» را از دیدگاه و زوایای مختلف به بحث گذاردند. در این رابطه مقالاتی چند در حوزه رفتار و تنظیم شهرها مطرح شد و همچنین در مقالات دیگری صاحب‌نظران به ارائه تعریف مجدد از انسان و جامعه و آنچه که به‌عنوان مبانی حمایت اجتماعی بشر مغرب‌زمین در دیگر کشورها محسوب می‌شود، پرداختند. «بازگشت به مبانی» یکی از پیام‌های عمده این اجلاس بود که در این چارچوب، ارکان سه‌گانه انقلاب فرانسه (۱۷۸۹) یعنی آزادی، برابری و



\* سوئیتومو اعتقاد دارد، جوانان ژاپنی به هیچ چیز اعتقاد ندارند آنان معیارهای اخلاقی برای تطبیق دادن خود با آنها را در اختیار ندارند.

\* کوکیشی شوچی: ژاپن فرصت نیافت خود را با دگرگونی‌های عظیم اجتماعی که با رشد فوق‌العاده سریع اقتصادی بعد از جنگ جهانی متحمل شده تطبیق دهد.

برادری<sup>(۲)</sup> به‌مثابه یک مقیاس اصلی در نظر گرفته شد. سؤال این بود، که باگذشت بیش از دو قرن از این شعار تعیین‌کننده در سرنوشت اروپا و غرب، کدامیک از ارکان سه‌گانه آن به‌ثمر رسیده است؟ سخن از این بود که «برادری» تحقق نیافته و شهود یا ظهوری از آن دیده نمی‌شود.

آنچه که درباره آزادی رخ داده، تأکید بی‌حد و حساب بر فردگرایی<sup>(۳)</sup> بوده و این امر بدانجا رسیده که دموکراسی، یعنی همان پدیده‌ای که این پیام را به بشریت عرضه کرده بود، در مسلخ فردگرایی بشر به‌دام افتاده است و در عمل اسیر خودمحوری‌های انسان شده است. در مورد «برابری» نیز هنوز نه اشتراک نظر وجود دارد و نه اشتراک در تعریف، و سؤال عمده این است که حین بحث در مورد برابری، براساس کدام تعریف

اجتماعی و کدام تعریف از جامعه حرکت می‌کنیم؟ برآیند این ارزیابی در سخنان برخی از پژوهشگران که خواهان تدوین و ارائه تعریف جدید از انسان و جامعه بودند، خلاصه می‌شد. گروهی دیگر «پرهیز از محدودیت‌های منطق دکارت» را راه گسریز از معضلات ناشی از محدود اندیشه‌های دکارتی و حصار محورهای مختصات مبتنی بر فردگرایی محض تأکید کردند. آنچه که ایشان بدان اشاره داشتند، «سایر» ابعاد حیات بشری یعنی ابعادی که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، می‌باشد. یکی از ارائه‌دهندگان مقالات اعتقاد داشت که نیاز کنونی ما دو بعد دارد؛ یک بعد آن با توسل به منطق دکارتی تأمین شده است، اما بعد دوم را باید جستجو کرد که همانا در «توجه به احساسات و عواطف بشری» خلاصه می‌شود. وی از خلاءها و تنگناهای دامنگیر بشر مغرب زمین سخن می‌گفت.<sup>(۴)</sup>

یکی دیگر از بحث‌های این اجلاس زمینه‌ای چندساله دارد. ساموئل هانتینگتون، استاد دانشگاه هاروارد آمریکا، حدود سه سال قبل مقاله‌ای در نشریه «فاریز افیرز» منتشر ساخت با نام «رویارویی تمدن‌ها». وی در این مقاله تمدن‌های موجود در کره زمین را به هشت گروه تقسیم کرد که این تقسیم‌بندی، تمدن «آنگلوساکسون» در مغرب زمین و تمدن «کنفوسیوس» در شرق، همچنین «تمدن اسلامی» در میانه زمین را در بر می‌گیرد. وی چنین استدلال می‌کند که تقابل بین این تمدن‌ها اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در چارچوب بحث «رویارویی» یا «گفتگوی بین تمدن‌ها»، گفتگویی با یکی از اسقف‌های آمریکای لاتین به‌نام آقای گریگوری<sup>(۵)</sup> به‌عمل آوردم. این تبادل نظر با توجه به حمایت اجتماعی کلیسا در آمریکای لاتین و نقش تاریخی مفهوم الهیات رهایی‌بخش، قابل توجه بود. آقای گریگوری حین اظهار نظر در مورد نظریه آقای هانتینگتون، ابراز داشت، «وقوع چنین برخوردی اصلاً حس نشده است.» وی در پاسخ به‌این سؤال که ارزیابی شما از جهان امروز چیست؟ گفت: «امروز ما (کلیسا) هم تحت فشار هستیم و پاپ خود یکی از شخصیت‌هایی است که در غرب بیش از سایرین تحت فشار قرار دارد و نقاط فشار بر پاپ عبارتند از اینکه چرا با بی‌دینی یا «سکولاریسم» و نیز با نسبی‌گرایی<sup>(۶)</sup> مبارزه می‌کنید؟ ایشان به‌خاطر مبارزه با نسبی‌شدن ارزشها در جهان و تثبیت ارزشهای مطلق اعتقادی

تحت فشار هستند.<sup>(۷)</sup> از دیگر نکات مورد اشاره آقای گریگوری، وضعیت کشورهای آمریکای لاتین طی چند دهه اخیر بود. در دهه هشتاد، این کشورها به دلیل بدهی‌های هنگفت به شبکه بانکی غرب و همچنین اختلافات عمده‌شان با دولت ریگان، در آمریکا مطرح بودند. در همین راستا بود که ریگان یک گروه کار به سرپرستی «هنری کیسینجر»، وزیر خارجه سابق آمریکا، باهدف مطالعه در مورد برخوردهای درازمدت با آمریکای لاتین، تعیین کرده و مقرر شده بود که حاصل این مطالعات در دستور شورای امنیت ملی آمریکا قرار گیرد تا به مثابه مبنای سیاست‌گذاری آن کشور در قبال آمریکای لاتین تلقی گردد. در پایان مطالعات مزبور، کیسینجر مطرح ساخت که «برخورد با این کشورها به هیچ عنوان جایز و مورد توصیه نیست». در آن گزارش آمده بود که این کشورها به مرزی رسیده‌اند که برای تداوم بنیان‌های اقتصاد غرب نگران‌کننده است و آن عدم پذیرش اصل «دیون و بدهی است». درست همزمان با این امر پاپ توصیه کرد تا دیون این کشورها بخشیده شود؛ اما صاحبان بانک‌ها با این پیشنهاد شدیداً مخالفت کردند و ابراز داشتند که چنین برخوردی می‌تواند بنیان‌های اجتماعی غرب را کاملاً از بین ببرد.

در کنار بحث فوق، «یوهان گالتونگ»، اندیشمند اروپایی و سفیر سیار سازمان ملل در رفع تخاصمات، نظریه کاملاً متفاوتی را مطرح ساخت. وی مدلی برای جوامع بشری، خصوصاً باتاکید بر ابعاد جامعه بشر امروز یعنی جوامع مدرن و فرا-مدرن، ارائه داد. از دیدگاه گالتونگ در جوامع فرامدرن ناهنجاری و ناآرامی، وجه غالب است. هرچند استثمار کاهش می‌یابد لیکن رشد نیز کاهش یافته و از خود بیگانگی نیز رو به افزایش می‌باشد. و موضوع امنیت و وضعیت بشریت به صورت یک معضل درآمده است.

**بی‌سامانی اجتماعی تنها به غرب محدود نمی‌شود.** شرکت‌کنندگان چینی در اجلاس به تزلزل مدل اجتماعی دوران کمونیستی اشاره کرده و اعتقاد داشتند، پیشرفت سریع صنعتی به سمت سرمایه‌داری و اقتصاد بازار، توسعه ملی و اقتصادی را در پی داشته است اما در همان حال سیستم اجتماعی موسوم به «دن وای سیستم» را متزلزل ساخته است. این سیستم تنها ابعاد اقتصادی نداشت، بلکه بنیان‌های اجتماعی، خانوادگی، قومی و رفتاری را که طی چهل سال اخیر در قالب یک مدل «خود تنظیم» عمل می‌کرد، در بر می‌گرفت که فروپاشی این سیستم در واقع

باعث بروز و تبلور یک چهره ناهنجار از کشور چین شده است.

در مالزی، ناهنجاری نمود دیگری پیدا کرده است. خانم «جمیله عارفین» استاد دانشگاه کوالالامپور در مالزی به چشم‌انداز سال ۲۰۲۰ اشاره داشت. وی تصریح نمود که علی‌رغم حرکت سریع کشور به سمت اقتصاد توسعه یافته، شکافی بین نیروهای سکولار یا غیرمذهبی با نیروهای مذهبی - تبدیلی نمایان شده است. کشش این دو حرکت در جهت‌های مخالف، مسائل جدی ایجاد کرده است. تمایل به حضور در فرهنگ جهانی ایجاب می‌کند که درهای کشور به روی فرهنگ غربی گشوده شود و نموده‌های مختلف آن در جامعه رسوخ کند؛ اما درست در جهت عکس این امر، احیاء مجدد علاقه‌های مذهبی مطرح می‌شود.

آقای «لایزینگر»، رئیس بنیاد جهان سوم وابسته به شرکت «سیباگابگی» تصویری از ناهنجاری حاکم بر جامعه غرب ترسیم کرد که کفه‌های نابرابر ترازوی جهان مدرن را که در یک طرف فزونی دانش و در طرف دیگر کمبود تعقل جای دارد در ذهن تداعی می‌سازد. در یک کلام، بشر مغرب زمین از دانش بسیار گسترده و توسعه یافته برخوردار است، اما در عین حال از تعقل لازم برای تداوم حیات خویش برخوردار نیست.



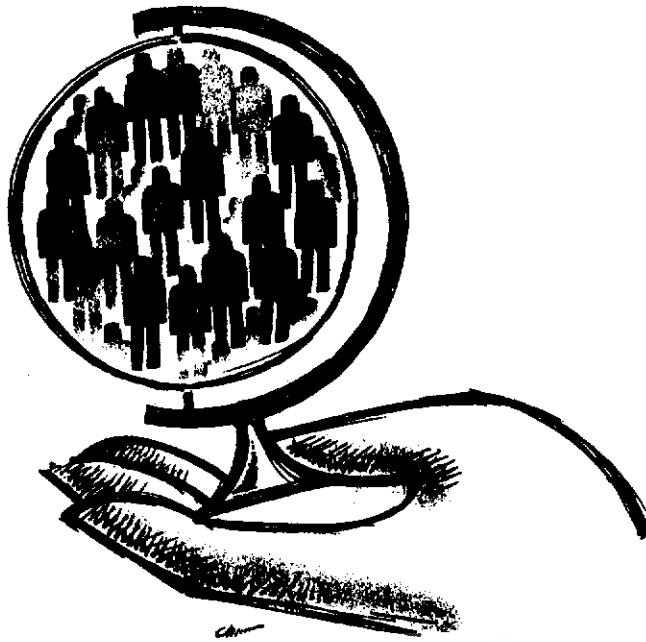
\* در کشوری که کیش اصلی آن درخشش اقتصادی و صنعتی و رقابت‌های خشک است فرصتی برای اندیشیدن و پرورش فردی باقی نمی‌ماند.

## حدیثی از مشرق زمین: اجلاس ژاپن

حدیث این سفر با شرکت در اجلاس «طراحی مجدد نظام‌ها و رویه‌های مدیریت» در ژاپن ادامه می‌یابد. محور اصلی بحث در این اجلاس «نوآوری، به‌سوی مدیریت خلاق» تعیین شده بود. انگیزه برگزاری این اجلاس به وقایع دهه ۱۹۸۰ بر می‌گردد. در آن دهه دگرگونی‌های عظیمی در جریان تحولات اقتصادی جهان به وقوع پیوست که شاهد «جهانی شدن» یا «یکدست شدن»<sup>(۸)</sup> اقتصاد بین‌المللی بودیم. در عین حال، این دوران با کاهش اعتماد به نفس و بروز بحران هویت در مدیران ژاپن توأم شد. سئوالی که در خلال این بحران مطرح شد این بود که نظام‌ها و روش‌های مدیریت که به‌طور معمول در این کشور مورد استفاده بوده، تا کجا و تا چه مرزی قابلیت تداوم خواهند داشت؟ از این نظرگاه، دوران رقابت‌های فشرده و پیچیده و دگرگونی‌های ساختار اقتصاد جهانی، زمینه‌های بازنگری را فراهم آورده بود. در کنار این موضوع، ترکیب اقتصاد با تکنیکی<sup>(۹)</sup>، رکود طولانی‌مدت و فقدان کارآمدی نظام‌های معمول مدیریت ژاپن ضرورت آن‌را در دوچندان ساخت.

سازمان بهره‌وری آسیایی، به‌عنوان بانی اجلاس، از تعدادی از مدیران کشورهای مختلف عضو این سازمان، مدیران واحدهای صنعتی و اساتید دانشگاه‌های ژاپن دعوت کرده بود تا با کمک آنان زمینه بازنگری نظام‌های معمول مدیریت تبیین گردد. به‌زعم ژاپنی‌های شرکت‌کننده، نرخ پایین رشد اقتصادی در مقایسه با دهه‌های قبل، یکی از دلایل این بازنگری می‌باشد. در واقع، افول رشد اقتصادی، ابعاد پیچیده‌ای به خود می‌گیرد و به‌مراتب فراتر از تغییر کمی و یا اصلاحات تعدیل شده، حرکت کرده و نظام‌سازی مجدد را می‌طلبد. در این راستا ارزش بالای این که اخیراً در مطبوعات به‌گونه‌ای گسترده مطرح بوده است و نیز روند روبه رشد یکپارچگی اقتصاد جهانی همگی به‌عنوان دلایل این بازنگری مطرح بودند.

رشد جمعیت مسن که کاهش تعداد کارکنان جوان را به دنبال دارد نیز رنگ‌های خطر را به صدا درآورده و می‌باید در این بازنگری ملحوظ شود. در واقع مشکل اینجاست که با کاهش مشارکت شغلی جوانان زمینه برای خلاقیت، نوآوری، کارآفرینی و عوامل توسعه بخش در اقتصادهای جهانی کم‌رنگ می‌شود. از سوی دیگر احساس نسل جوان ژاپن شکلی متفاوت به‌خود گرفته



است. اینان زمین‌های سوخته حین جنگ را ندیده‌اند و فشار و مشکلات طاقت‌فرسای دهه‌های ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ میلادی را تجربه نکرده‌اند و لذا در مرحله حساس انتقالی بین دو جهان مدرن و فرامدرن، نقشی ایفا نکرده‌اند، یا بهتر گفته باشیم، اصلاً آن‌را حس نکرده‌اند. در کنار فقدان حس جهت تاریخی، خلاء معنویت نیز جوانان ژاپن را تهدید می‌کند. در همین راستا آقای «هیدایسوناسو» از مدیران شرکت «سومیتومو» اعتقاد دارد: «جوانان ژاپنی به هیچ چیز اعتقاد ندارند، آنان معیارهای اخلاقی برای تطبیق دادن خود با آنها را در اختیار ندارند»، آقای «کوکیشی شوچی»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه توکیو ابراز می‌دارد: «ژاپن فرصت نیافت خود را با دگرگونی‌های عظیم اجتماعی، که با رشد فوق‌العاده سریع اقتصادی بعد از جنگ جهانی متحمل شد، تطبیق دهد». وی ادامه می‌دهد: «در کشوری که کیش اصلی آن درخشش اقتصادی و صنعتی و رقابت‌های خشک است، فرصتی برای اندیشیدن و پرورش فردی باقی نمی‌ماند.»

و بالاخره «شویشی کاتو» (فیلسوف ژاپنی) در بسط و تحلیل مسئله ناهنجاری دامنگیر نسل جوان ژاپن می‌گوید: «جوانان امروز ژاپن از نعمت رفاه برخوردارند، اما فاقد اندیشه‌اند. از نظر مهرورزی نابالغ و در مواردی بریده از جهان حقیقی‌اند و برای ایجاد ارتباط با دیگران با مشکلات بزرگی مواجه‌اند.» شکل‌گیری جریان جسدیت فکری - اعتقادی به‌نام «او-روم شی‌نی‌کورا» که اخیراً جنجال زیادی را به‌راه انداخته است در واقع پی‌آمد اصلی این ناهنجاری فرهنگی و اعتقادی محسوب می‌شود.

البته اجلاس ژاپن داعیه حل کل معضلاتی را که بدان اشاره شد نداشت و تنها به بازنگری زمینه‌ای محدود بسنده نمود. اما همین زمینه محدود که در عمل باورهای مدیریتی ژاپن را در برمی‌گیرد می‌تواند تبعات وسیع برای نه‌تنها کشور ژاپن، بلکه تصمیم‌گیران و سیاستگذاران جهان که به‌نحوی مدل ژاپن را دنبال کرده‌اند، داشته باشد. امروز ارکان سه‌گانه‌ای که به‌نوعی نقاط اقتدار در مدیریت معمول در ژاپن محسوب می‌شود، یعنی نظام استخدام مادام‌العمر، تصمیم‌گیری طولانی و کار گروهی، و نظام ارشدیت مزود بازنگری قرار گرفته است. در خصوص نظام استخدام مادام‌العمر چنین استدلال شد که مقتضیات زمان کنونی ایجاب می‌کند راه برای جساری شدن و ورود دیگر زمینه‌های

**\* امروز ارکان سه‌گانه‌ای که به‌نوعی نقاط اقتدار در مدیریت معمول در ژاپن محسوب می‌شود یعنی نظام استخدام مادام‌العمر، تصمیم‌گیری طولانی و کار گروهی و نظام ارشدیت مزود بازنگری قرار گرفته است.**

تخصصی باز نگه‌داشته شود و از مدیران، متخصصان، پژوهشگران و عواملی که بتوانند در تولید و سازندگی در واحدها برای رقابت کارآمد کمک کنند استفاده به‌عمل آید. از جانب دیگر، تحرک و سرعت پدیده‌های اقتصادی در جهان امروز دیگر فرصتی برای تصمیم‌گیری طولانی مدت و حصول توافق جمعی ارائه نمی‌دهد. اگرچه کار گروهی عنصر مهمی از عملکرد ژاپن در عرصه مدیریت محسوب می‌شود، اما عنصر زمان می‌رود که اهمیت آن‌را تحت‌الشعاع قرار داده و تغییرات بنیادی در این نگرش ایجاد کند. نظام ارشدیت یا بهادادن به تجربه و اصالت سنوات گذشته افراد در موسسه نیز دیگر نمی‌تواند به‌عنوان معیار موفقیت و کارآمدی در تداوم حیات اقتصادی ژاپن به‌کار گرفته شود.

برای مرحله اول مداوا، ژاپنی‌ها در پی راهی هستند تا افراد را از مجموعه خودشان خارج کنند.

موسسه‌ای موسوم به «کی زای دیوکائی» یا «فدراسیون انجمن مدیران اقتصادی» در سال گذشته (۱۹۹۴) گزارشی به دولت تسلیم کرد که طی آن بر اتخاذ مکانیسم منعطف تصمیم‌گیری و جایگزینی سیستم قبلی تأکید داشت. این گزارش ضرورت کوچک‌تر شدن سازمانها، تفویض اختیار تصمیم‌گیری و توان‌ساختن کارکنان را به‌مشابه اقداماتی در جهت حصول این سیستم منعطف بر شمرد. در کنار این اقدامات توصیه شد که تکنولوژی‌های محوری قابل رقابت در بازارهای جهانی توسعه یابد و در این راستا مشارکت‌های برون‌مرزی صورت پذیرد و به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت مشوق خلاقیت و نوآوری امری بسیار حساس و محوری قلمداد شود. نکته حائز اهمیت دیگر بازنگری در مفهوم «مساوات» بود. اصولاً در قیاس با شرکت‌های آمریکایی که در آن‌ها مفهوم مساوات مطرح نیست، ژاپنی‌ها احترام زیادی را تاکنون برای این اصل قائل بوده‌اند؛ اما این امر می‌رود تا به‌طور کامل مورد تجدیدنظر واقع شود و تعبیر جدیدی از حیات اقتصادی پدید آورد. در همین راستا «اقتصاد سرعت»<sup>(۱۱)</sup> نه‌تنها در تدارک بلکه در تولید و فروش، طراحی‌ها، مهندسی‌ها و نوآوری‌ها به‌کار گرفته خواهد شد. «اقتصاد بیرونی ساختن» نیز مطرح گردید، به‌نحوی که قابلیت استفاده از کلیه عوامل در فراسوی مرزهای کشور پدید آید. در

همین ارتباط چندسال پیش آقای «آکیو موریتا» مدیرعامل وقت شرکت «سونی» به شرکت‌های آمریکایی نسبت به خطر «توخالی شدن»<sup>(۱)</sup> و انتقال پایگاه‌های تولیدی به ماورای مرزها و محدود نمودن اداره در قالب تحقیق و توسعه، بازاریابی و تجهیز منابع سرمایه اخطار کرد. ۵ سال بعد از این اخطار، سازمان‌های اقتصادی ژاپن این روش را توصیه می‌کنند، و بالاخره «اقتصاد برهم افزایی» مطرح شده است که زمینه‌های بکارگیری سبتری در ابعاد مختلف را مدنظر قرار می‌دهد. از جمله سوالاتی که با چند تن از اساتید آن کشور مطرح شد این بود که چرا ژاپنی که بعد از جنگ دوم جهانی مفاهیمی نظیر کنترل کیفی و همچنین مدیریت را از کشورهای غربی، به‌ویژه آمریکا، وارد کرد و موفق شد تلفیق و تطبیق مناسبی با عناصر فرهنگی خود ایجاد کند، امروز اظهارعجز می‌کند؟ در پاسخ، اینان بر محدودیت زمان تاکید داشتند. اما چنین به نظر می‌رسد که چنانچه فرهنگی حقیقتاً قصد و عزم مواجهه با پدیده‌ها و شرایط نو را داشته باشد، شاید هیچ عاملی، حتی زمان، محدودکننده نباشد. می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که کشور ژاپن برای مواجهه با حوادث نو، قدرت به‌اصطلاح اجتهاد فرهنگی خود را از دست داده است.

### ج - میانه عالم: اجلاس پاکستان

این حدیث با سفر به میانه عالم ادامه پیدا می‌کند. موضوع این اجلاس «آینده علم در امت اسلامی در قرن ۲۱» بود و برگزاری آن را کمیته دائمی همکاری‌های علمی و تکنولوژی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی برعهده داشت. در چند دهه اخیر، کشور پاکستان عهده‌دار میزبانی کمیته همکاری‌های علمی و تکنولوژی بوده که در این راستا از پستوانه آکادمی علوم و شورای پژوهش‌های علمی پاکستان نیز بهره‌مند شده است. در این چارچوب کشور پاکستان توانسته است درجائی از ابتکار عمل را به دست گیرد. استدلال عمده اجلاس در این مهم خلاصه شده بود که با توجه به حرکت‌های گذشته نمی‌توان نسبت به آینده علم در جهان اسلام امیدوار بود و بدین لحاظ حرکت‌های جدیدی می‌باید صورت پذیرد.

در پاسخ به این سؤال که «چه باید کرد؟» سه دیدگاه مشخص وجود داشت. از دیدگاه اول، علم پدیده‌ای است جهانی که مرز نمی‌شناسد، در هر سرزمینی امکان رویش دارد و بنابراین همه در تولید و بهره‌برداری از آن مشترک‌اند. از دیدگاه

دوم، باورها و اعتقادات می‌باید زیربنای علوم باشند. به این منظور ارزشهای بنیادی و به‌اصطلاح فلسفه اسلام می‌باید جاری شود و حتی شاید بتوان از عرفان اسلامی در تولید و عرضه معارف اسلامی بهره گرفت. دیدگاه سوم، در واقع پرسشی را مطرح می‌ساخت و آن اینکه، توسعه معارف در کشورهای مسلمان بدون دست‌یابی به حکومت اسلامی در آن کشورها امکان‌پذیر نیست و در واقع استراتژی توسعه علوم پیوند عمیقی با استراتژی توسعه نظام اسلامی دارد. اما در ورای این فراز و نشیب‌ها و گفتگوهای بسیار سنگین بالاخره این وحدت‌نظر پدید آمد که کشورهای مسلمان در واقع عهده‌دار توسعه یک فرهنگ در جهان هستند و بدین منظور می‌باید به‌گونه‌ای یکپارچه حرکت کنند. ایجاد شبکه‌های اطلاعاتی متشکل از محققان جهان اسلام می‌تواند گامی موثر در این راستا محسوب شود و پیشنهاد شد که این شبکه چند کانون داشته باشد: کانون مرکزی در اسلام‌آباد و مابقی در تهران، کوالالمپور، قاهره، آنکارا و همچنین در واشنگتن و لندن. با ایجاد پیوند بین محققان اسلامی مسلماً توسعه معارف اسلامی برای امت اسلامی در جهان آینده تسهیل خواهد گشت.

از دیگر مصوبات این اجلاس هم تاسیس انستیتویی بود که بتواند مطالعات پایه‌ای و محوری انجام دهد و در نهایت، اجلاس با این امید که بتوان شبکه‌ای از محققان جهان اسلام پدید آورده به توسعه معارف اسلامی کمک نمود، به پایان رسید.

**نتیجه‌گیری:** ناهنجاری‌های توسعه یافته بشری ابعاد جهانی پیدا کرده است و طبعاً این انتظار نمی‌تواند وجود داشته باشد که یک کشور یا یک ملت به‌تنهایی بتواند همه عوامل لازم برای رویارویی با آن را بیابد. سخن این جا است که برای دستیابی به هنجار در جهان امروز از کجا باید شروع کرد؟ پاسخ ما به این سؤال آن است که یک منظومه سه‌گانه و متعامل می‌باید در نظر گرفته شده و تلاش همه‌جانبه انسان‌ها در پیرامون آن متمرکز گردد. بیان ساده این منظومه به‌قرار زیر است:

- نظام ارزشی

- نظام فکری

- نظام عینی: سیاسی، فرهنگی و اقتصادی.

ساخت‌وساز کلیدی در این زمان، استقرار نظام فکری جدیدی است که بتواند ارزش‌های

حقیقی را در جهان در برداشته و زیربنای تنظیم نظام‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی شود.

این نظام فکری نمی‌تواند انکار توحید و یکتاپرستی در عالم بکند، آنچنانکه امروز شاهدیم جریان توسعه اطلاعات در مسیر هدم کلمه توحید استقرار یافته است. لذا برهم زدن نظم کنونی در جهان که در حقیقت خود یک بی‌نظمی توسعه یافته است «ناهنجاری‌ها» مبنای تنظیم‌های جدید خواهد بود.

برای استقرار این نظام فکری به دنبال مکان خاصی نباید بود بلکه می‌باید یک جریان یکپارچه توسعه اطلاعات و مفاهیم با تکیه بر بینش توحیدی بوجود آورد و از طریق نظام‌های شبکه‌گونه تولید اطلاعات و معارف بشری با اطلاعات و مفاهیم ناهنجار رویارو شد. لازم است پالایشگاه و آزمایشگاه تولید گمانه‌های مفهومی و اطلاعاتی را به‌گونه‌ای بسازیم که جریان توسعه اطلاعات را به محور مشترک همه ادیان توحیدی یعنی «مخلوقیت»، «محدودیت»، «توسعه‌یاب بودن» برگردانیم. مقدمات این کار فراهم آمده است، آنچه در ادامه لازم است پیوند جدیدی از اندیشمندان موحد مسلمان و سایر دین‌باورانی است که مشتاق رفع ناهنجاری‌ها در گستره حیات بشری هستند. ایمن تلاش، نیازمند سرمایه‌گذاری‌های وسیعی نیست بلکه آنچه به جدیت طلب می‌کند، وجود انگیزه و عشق به کامیابی بشر و به‌کارگیری تفکر خلاق انسان‌ها است. □

### پانوشته‌ها:

\* این مطلب، طی یک سخنرانی در دوازدهمین گردهمایی فارغ‌التحصیلان دوره‌های عالی مدیریت در سازمان مدیریت صنعتی ارائه شد. اما نظر به اهمیت موضوع و نکات تازه‌ای که در آن است تدبیر تصمیم گرفت آن را به صورت یک «مقاله» تنظیم و تقدیم خوانندگان گرامی کند.

- 1 - THE SWISS ACADEMY OF DEVELOPMENT (SAD).
- 2 - LIBERTÉ, EGALITÉ, FRATERNITÉ.
- 3 - INDIVIDUALISM.

۴ - بعد از بازگشت از این سفر به کتابی دست یافتیم به نام «حرامزادگان ولتر» یا «دیکتاتوری آندیشه» صرف در مغرب زمین؛ مولف در مقدمه این کتاب می‌گوید:

# رازهای موفقیت در شرکت‌های موفق

از: حسین پورآقاسی

ما استقبال کرد. او ما را به نام صدازد و یا ما سلام و علیک و احوالپرسی کرد. ما از تعجب میخکوب شدیم! چگونه او اسم ما را به خاطر داشت. در یک لحظه به علت انتخاب خودمان و اینکه این یکی از نادرترین هتل‌هایی است که در آن منطقه به عنوان چهار ستاره مفتخر شده است، پی بردیم. ممکن است بگوئید این هتل چه نقشی در کارها داشته است. در جواب باید بگوئیم که ما سالها بود که در زمینه شرکت‌های موفق مطالعه می‌کردیم و تحت تاثیر این حادثه قرار گرفتیم و معتقدیم که یکی از علل موفقیت شرکت‌های موفق همین طرز برخورد کارکنان به ظاهر ساده و معمولی آنها است. و چون تأیید این نظریه را در حوادث متعدد دیگر نیز یافتیم به این نتیجه رسیدیم که درآمد سازمانها و شرکت‌های موفق با طرز عمل کارکنان آنها در ارتباط مستقیم است.

## روابط صمیمانه با مشتری

روزی به یک فروشگاه کوچک ماشین حساب‌های الکترونیکی رفتیم تا یک ماشین حساب حافظه‌دار خریداری کنیم. اطلاعات فروشنده و اشتیاق و علاقه او به شدت نظر ما را جلب کرد، بعد فهمیدیم که او اصولاً کارمند این فروشگاه نیست. بلکه این جوان ۲۸ ساله، مهندس فروش شرکت هیولت پکارد<sup>(۱)</sup> (HP) است که به فروشگاه آمده بود تا اطلاعات دست اولی درباره واکنش خریداران محصولات شرکت خود به دست آورد، شنیده بودیم که «هیولت پکارد» به داشتن روابط نزدیک و صمیمانه با مشتریان خود مشهور است و حالا می‌دیدیم که به کسی که احتمالاً دارای مدرک مهندسی یا فوق‌لیسانس

به راستی چه عواملی باعث شده است که بعضی از شرکت‌ها و موسسات دروازه‌های موفقیت را به شایستگی فتح کنند؟ راز و رمز موفقیت آنها چه بوده است؟ آیا دیگران هم می‌توانند به این موفقیت دست یابند؟ آیا می‌توان نشانه‌های موفقیت را پیدا کرد؟ حاصل تحقیقات و بررسی‌های به عمل آمده بر روی شرکت‌های شاخص و برگزیده جهان توسط پژوهشگران حاوی نکات جالب و آموزنده‌ای است که در حدامکان به آنها اشاره می‌کنیم.

دو تن از محققینی<sup>(۱)</sup> که سالیان زیاد درباره شرکت‌های موفق به مطالعه پرداخته‌اند در خاطرات خود حوادث جالب و قابل توجهی را از این شرکت‌ها نقل کرده‌اند که آنها را عیناً از زبان خودشان پی می‌گیریم:

## طرز برخورد کارکنان

بمداز صرف شام تصمیم گرفتیم شب دیگری را در واشنگتن بگذرانیم. روز پرکاری را پشت سر گذاشته بودیم. کار آن قدر طول کشید که به پرواز نرسیدیم و هواپیما را از دست دادیم. اقدام به نگهداری جا در هتل هم نکرده بودیم. اما برحسب تصادف در نزدیکی هتل «چهارفصل» بودیم. این هتل را از قبل می‌شناختیم. یکبار هم در آن اقامت کرده بودیم. به نظر ما هتل جالبی رسیده بود. در حالی که وارد هتل شده به سوی محل پذیرش می‌رفتیم و جایی هم رزرو نکرده بودیم، در این فکر بودیم که در آن ساعت شب چه جوابی خواهیم گرفت؟ غرق در اندیشه و اضطراب بودیم که ناگهان آهنگ موزونی سکوت نیمه‌شب را شکست و مامور پذیرش با تبسمی دور از انتظار از

تمدنی که نتواند بین توهم و واقعیات تفاوت قائل شود، آن تمدن در مرحله ناهنجار خود قرار گرفته است. در بخشی از این کتاب آمده است «این کتاب به شخصی هدیه شده است که مولف خود را مدیون او می‌داند» مولف اعتقاد دارد «او به من آموخته است که رابطه معقولی بین ذهنیت و واقعیت وجود دارد». در سال ۱۹۹۵، در کشور سوئیس یعنی جایی که عضو سازمان ملل متحد نیست و به‌دور از هر نوع هیاهوی سیاسی می‌باشد، سخن از ناهنجاری می‌شود!

۵ - آقای گریگوری رئیس سازمان کارنیاس، که یک سازمان خیریه وابسته به کلیسای کاتولیک است و به‌عنوان نماینده کشور برزیل شرکت داشت.

## 6 - RELATIVISM.

۷ - در نامه‌ای که اخیراً نگاشته شده است، پاپ به «افول وجدان در غرب» اشاره می‌کند و در پاسخ به آن ادوارد کندی، سناتور دموکرات آمریکایی می‌گوید: «هیچ مقام دولتی، صرف‌نظر از مذهبش، نباید حکم کلیسا را به‌صورت قانون در آورد.» نشریه نیوزویک، ۱۰ آوریل ۱۹۹۵، صفحات ۴۶ الی ۴۹.

۸ - این بحث اخیراً به‌گونه‌ای گسترده در محافل غرب مطرح شده است و در کنار این امر دو محقق ژاپنی نیز به تئوری‌پردازی‌های وسیعی در این زمینه پرداخته‌اند. رجوع کنید به

"IN PRAISE OF KNOWLEDGE," THE ECONOMIST, MAY 27, 1995, P. 18.

## 9 - GLOBALIZATION.

۱۰ - یکی از ابعاد شناخته شده اقتصاد سرعت JUST-IN-TIME است.

## 11 - HOLLOWIZATION.